

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نیکولای بورلیایف\* (Nikolay BURLYAEV)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۷ مارچ ۲۰۲۲

## امروز روسیه فرصتی برای تولد دوباره دارد



«عملیات ویژه نیروهای مسلح روسیه برای نازی‌زدایی در اوکراین چه مسائلی را برجسته کرد»  
– بسیاری از اندیشمندان برجسته کره زمین که در اعصار مختلف و در کشورهای مختلف زندگی کرده‌اند، بر این باور بوده‌اند: «احیای کره زمین مستلزم احیای روسیه است. نجات روسیه نجات جهان، مرگ روسیه مرگ جهان است».  
امروز روسیه فرصت دارد، نه تنها خود را نجات دهد، حتی می‌تواند با تولد دوباره، به یک نمونه برای احیای بشریت تبدیل شود و الگوی جدیدی از یک وضعیت اجتماعی-اقتصادی، معنوی و اخلاقی مبتنی بر عدالت و یک الگوی نجات برای همه بشریت، صرف نظر از تعلقات مذهبی، اجتماعی یا قومیتی به جهان نشان دهد. نظام سرمایه‌داری لیبرال جهانی تمام منابع خود را صرف نموده، به پایان خطر رسیده است.  
پس از بحران جهانی، یک دگرگونی بنیادی در کل نظم جهانی، نه تنها در زمینه اجتماعی-اقتصادی، بلکه مهمتر از همه، یک مدل معنوی در حال پیدایش است. روسیه باید یک الگوی تمدنی جدید در عرصه دولتمداری، عقلانیت، هماهنگی مادی و معنوی به جهان ارائه دهد. دموکراسی بدنام باید با تنوع ازلی روسی، یعنی وحدت مردم بر اساس اصول معنوی و اخلاقی مشترک که به‌عنوان مبنای سیاست فرهنگی در پایه‌های سیاست فرهنگی دولتی قرار گرفته، جایگزین شود. ضمناً، این همان ایدئولوژی است که لیبرال‌ها بشدت از آن هراس دارند. خلق‌های روسیه و رهبری آن برای انجام این مأموریت مدنی-تاریخی خود، باید فرآیند تحول جهانی را شروع کنند.  
در روند نوسازی، یک همه‌پرسی در مورد حفظ کشور برگزار شد، که اکثریت قاطع مردم ما از آن حمایت کردند (۱۷ مارچ ۱۹۹۱ با ۷۹ درصد رأی مثبت. مترجم)، اما لیبرال‌ها تصمیم گرفتند کشور بزرگ را نابود کنند. همه‌پرسی برای تغییر نظام دولتی برگزار نشد.

مقامات از مردم نپرسیدند که آیا می‌خواهند در سرمایه‌داری زندگی کنند؟ ما باید عدالت را دوباره برقرار کنیم و با برگزاری یک همه‌پرسی، نظر مردمی را بپرسیم که در طول ۳۰ سال گذشته در زیر نگاه تحقیرآمیز ۵۰۰ الیگارش فربه، ۱۴۰ میلیون نفر شهروند کشور به جیره خشک محکوم شده است.

در شرایط اضطراری فعلی، با توجه به عدم اعتماد نسبت به بسیاری از وزیران و رؤسای ادارات، تشکیل یک نهاد تام‌الاختیار ویژه مرکب از نمایندگان دوما دولتی برای نظارت بر کار وزارتخانه‌ها در دوره انتقالی ضرورت دارد! در دوما دولتی حرفه‌ای‌های قادر به نظارت بر کار وزارتخانه‌ها وجود دارند. رؤسای لیبرال وزارتخانه‌ها و ادارات که آسیب‌های مادی و معنوی جدی به کشور ما وارد آورده‌اند، باید برکنار شوند. همه مردم ما قهرمانان لیبرالی کردن را به نام می‌شناسند: چوبایس، گرف، شودکوی و ادامه فهرست بلند. ما همه آن‌ها را می‌شناسیم.

شاید به من بگویند: در تقاطع نباید اسب را عوض کرد. اما، ببخشید، آیا می‌توان با اسب لنگ به میدان نبرد رفت؟ من مطمئنم که این فقط منجر به تقویت اعتماد به رئیس جمهور می‌شود و مردم را در اطراف رهبر کشور و خدمات نجات تاریخی وی متحد می‌سازد.

گروه «سپاه» سه نفره در کودتای بلاژسکی مرتکب جنایت علیه کشور شد و با روسیه کاری کرد که نه خان مامای، نه ناپلئون، نه آنتانت و نه هیتلر مجموعاً نتوانستند انجام دهند. این گروه سه نفره کشور بزرگ را که طی هزاره‌ها، ذره ذره، امیرنشین به امیرنشین، مردم به مردم توسط اجداد ما گردآوری شده بود، نابود کرد.

مسئولیت سه دهه ویرانی و خونریزی بر عهده آن‌هاست. از خیانت به دستاوردهای نیاکان ما سه دهه گذشت: وسوسه زرق و برق، تلویزیون حاشیه‌ای، سینمای بازاری، علاقه‌مندی مفرط به قالب زرد بدنامی به نام اسکار. روسیه را انبوه مک دونالد، شلوار جین پاره، تجارت سریال‌های نمایشی مبتدل پر کردند، موجد انقلاب فرهنگی، فرهنگ را در بازار به روی میز حراج گذاشت و آن را به خودفروشی وادار کرد.

آن‌ها، سینما، این سلاح ستراتیژیک کشور را شرکتی و خصوصی کردند. همه شما شاهد هستید که آن‌ها از طریق تلویزیون وارد ذهن مردم شدند: «پوشکین به طرز نامیدکننده‌ای منسوخ گردید». «زبان روسی بدون فحاشی وجود ندارد». «میهن پرستی آخرین پناهگاه رجاله‌ها شده است». «شرکای» قسم‌خورده ما دنیای اسلاو را، تنها نیروی قادر به مقاومت در برابر مستحیل‌کنندگان بشریت را از هم پاشیدند و به بازی گرفتند.

ندای اندیشمندان بزرگ روسیه را به خاطر آوریم. **پوشکین** پرسید: «در یک دعوی نابرابر چه کسی برنده خواهد شد؟ دروغگوی متکبر یا روس وفادار؟ آیا نهرهای اسلاو به دریای روسیه جاری خواهند شد؟ آیا تمام می‌شوند؟ سؤال اینجاست!

**داستایوفسکی** گفت: «روسیه دو وظیفه جهانی- تاریخی دارد: اسلاویسم و نیک‌آئینی».

**تیوتچوف** خطاب به اسلاوها گفت: «قبیله جهانی مغضوب، کی آدم می‌شوید؟ دوره نزاع و مصیبت شما کی به پایان می‌رسد، فریاد اتحاد طنین‌انداز می‌گردد و دیوار جدائی ما از همدیگر کی فرو می‌ریزد؟ ما با اطمینان به انتظار فرارسیدن آن روز، آن لحظه نشسته‌ایم. و این باور به حقیقت خدا، اگرچه گرفتاری‌ها و غم و اندوه زیادی وجود دارد و همچنان هم در پیش رو داریم، در ضمیر ما نمی‌میرد... آن زنده است- سرپرست عالی، رأی او روی زمین نخواهد ماند، و کلام آزادی برای روس‌ها، همه مرزها را پشت سرخواهد گذاشت». آن زمان فرارسیده است.

با این وجود، دولت به هیچ‌وجه به موضوع اسلاویسم نپرداخت و با حذف آن از دستور کار سیاست داخلی و خارجی، مدیریت این موضوع را در سطح بین‌المللی به نماینده ویژه **شویدکوی** سپرد که سال‌ها هیچ کار مفیدی در این جبهه انجام نداده و اهمیت موضوع اسلاو را به کلی درک نمی‌کند.

متصدیان کور اسلاویسم فاشیسم اوکراینی را نیز نادیده گرفتند. سه قوم اسلاو- روس‌ها، اوکراینی‌ها، بلاروس‌ها، ماهیتاً یک قوم هستند، این واقعیت برای همه ما روشن است. آن‌ها سنگ بنا، پایه و اساس دولت ما هستند، آن‌ها روسیه مقدس‌اند.

در مسکو، مراکز فرهنگی همه اقلیت‌های ملی وجود دارد، جز مرکز فرهنگی اسلاو. درخواست‌های مکرر از هر دو شهردار مسکو در طول سه دهه مبنی بر ایجاد مرکز فرهنگی اسلاو بی‌پاسخ مانده است.

**سرگنی رادونژسکی** گفت: «ما با نیروی عشق و اتحاد نجات خواهیم یافت». اکنون، در لحظه احساس خطر برای کشور ما، همه متحد شده‌ایم، پراکندگی حزب را کنار گذاشته‌ایم. ما برخاسته‌ایم... سرگنی رادونژسکی، متحده‌کننده روسیه گفت: «ما با نیروی عشق و اتحاد نجات خواهیم یافت». و، هنگامی که زمان تغییر فرارسید، قدرت‌های معنوی الهام‌بخش سرگنی در نبرد کولیکوف بودند و گفتند: برو، هیچ مترس، تو پیروز می‌شوی.

زمان آن فرارسیده است تا مردم ما به رئیس جمهور ما در میدان کولیکوف در قرن بیست و یکم دعای خیر کنند. روسیه دوباره به مبارزه با نازیسم تحت حمایت غرب برخاسته است. ما نه تنها برای آزادی جمهوری‌های دونباس و لوگانسک، برای کیف روس و به خاطر دنیای روس قیام کرده‌ایم، بلکه، به طرفداری از بشریت، برای نجات کل سیاره، از جمله، برای رهایی غرب روان‌پزش که به تمام قوانین و احکام خدا خیانت کرد، به میدان کولیکوف رفته‌ایم.

روسیه که بر فاشیسم هیتلری پیروز گردید، کره زمین را با فرهنگ عالی اشباع کرد، بر قطب شمال و قطب جنوب دست یافت، راه فضاء را به روی بشر گشود، امروز باید راه تحول و هوشمندی را به جهانیان نشان دهد.

**ایوان ایوانوویچ عزیز!** اولاً، از شما تقاضا می‌کنم با پیشنهاد برگزاری یک هم‌پرسی در خصوص انتخاب مسیر توسعه آینده: سرمایه‌داری یا دولت رفاه، به رئیس جمهور فدراسیون روسیه مراجعه کنیم (ایوان ملنیکوف، نایب رئیس مجلس از حزب کمونیست فدراسیون روسیه، که ریاست جلسه بر عهده داشت).

**ثانیاً**، به کمیته توسعه جامعه مدنی دستور داده شود تا نمونه‌ای از جامعه مدنی جدید مبتنی بر عدالت اجتماعی، ارزش‌ها و سنن معنوی و اخلاقی ایجاد کند.

**ثالثاً**، نمایندگان ویژه دوما دولتی در وزارتخانه‌ها و ادارات و یک نماینده در خصوص مسأله اسلاو تعیین شود. پیشنهاد ایجاد مرکز فرهنگی اسلاو در مسکو و مراکز مشابه در سراسر کشور به رئیس جمهور و شهردار مسکو ارائه گردد.

**رابعاً**، در آستانه تمدن جدید، لازم است یک دادگاه بین‌المللی مشابه دادگاه نورنبرگ، اعمال جنایتکاران را مورد ارزیابی قرار دهد. پس از جنگ جهانی دوم، نابودی یهودیان، هولوکاست و یهودی‌ستیزی محکوم گردید. دادگاه بین‌المللی جنگ جهانی سوم که اکنون در جریان است، باید نسل‌کشی جهانی روس‌ها و روس‌هراسی را محکوم کند تا در آینده گستاخ نشود.

بار دیگر از همه شما، برادران و خواهران عزیز خواهش می‌کنم متوجه باشیم که فرهنگ مهمترین مسأله است. فرهنگ وجود داشته باشد، روسیه وجود خواهد داشت! لطفاً، به پیشنهاد مبنی بر تخصیص ۳ درصد بودجه از تولید ناخالص داخلی برای فرهنگ رأی دهید! این بسیار مهم است. در سال حراست از میراث فرهنگی، این میراث فرهنگی در سراسر روسیه از بین می‌رود.

مطمئنم که ما پیروز می‌شویم! برخیز، کشور بزرگ!

\* - کارگردان و بازیگر سینمای اتحاد شوروی و روسیه، بازیگر ملی، برنده جایزه کامسامول لنینی، عضو کانون نویسندگان روسیه، عضو کمیته فرهنگ ملی، نماینده دوره هشتم مجلس (دومای) از حزب «روسیه عادل- برای حقیقت» (حزب سوسیالیست).

۱. م. شیری

۶ فروردین- حمل ۱۴۰۱

منابع:

[سوروس-وب سایت حزب کمونیست فدراسیون روسیه](#)